

مقدمه

تعالیم حیات بخش اسلام در امر محیط زیست و چگونگی تعامل و سازگاری انسان با آن تاکید فراوان دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حفاظت محیط زیست را وظیفه عمومی تلقی نموده و رشد و تعالی نسل امروز و نسل های بعدی را منوط به حفاظت از منابع حیاتی می داند. «در جمهوری اسلامی، حفظ محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با الگوی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» (اصل پنجاهم قانون اساسی). رهبر انقلاب نیز بارها در موارد متعدد، محیط زیست، انفال، منابع طبیعی و جنگل ها و بویژه برخورداری از محیط زیست سالم را مورد تاکید قرار داده اند.

با توجه به مشکلات روز افزون ناشی از دخالت انسان در محیط زیست موجود از یک سو و وجود برخی محدودیت ها و تنگناهای طبیعی موجود در عرصه سرزمینی ایران از سوی دیگر، هرگونه برنامه ریزی و سیاست گذاری توسعه با رویکرد آمایش سرزمین نیازمند شناسایی و رده بندی، ارزش گذاری و اولویت بندی مشکلات زیست محیطی با منشاء طبیعی، مصنوعی، ملی، فراملی، داخلی و یا وارداتی است.

با این وصف، اجزای زیست محیطی زنده و غیر زنده مشتمل بر چهار زیر محیط (محیط فیزیکی - شیمیایی، محیط بوم شناختی - زیست شناختی، محیط اقتصادی - اجتماعی و محیط فرهنگی - تاریخی - روانی) خواهد بود.

زیر محیط های موجود هم بر عناصر اصلی محیط زیست (آب، خاک، هوا و تنوع زیستی) اثرگذار است و هم مجموعه شرایط فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، موجودات، روابط و محیط زندگی آنها را می سازند.

با این وصف، محیط زیست و مدیریت محیط زیست در کشور ما با چالش های بسیاری مواجه است. متاثر از زیر محیط های محیط زیست چالش های محیط زیست در کشور در پنج دسته قابل دسته بندی است:

۱- برخی چالش‌ها طبیعی و خارج از کنترل و توان برنامه ریزان در داخل کشور است. مانند تغییر اقلیم و خشک سالی‌های پی در پی. تغییرات اقلیم و گرم شدن کره زمین و دیگر تهدیدات محیط زیستی جهانی، محدودیت منابع آبی به لحاظ واقع شدن کشور در منطقه خشک و نیمه خشک و افت کمی و کیفی منابع مذکور افزون بر دوره اقلیمی ۱۰ یا ۳۰ ساله خشک سالی در ایران، حساسیت و شکنندگی محیط طبیعی کشور به لحاظ ویژگی‌های اکولوژیکی آن و بروز بحران‌ها و بلایای طبیعی، بخش قابل توجهی از مسائل زیست محیطی بخصوص مرتبط با آب را به کشور تحمیل می‌کند.

۲- چالش‌های مدیریتی: فقدان الگوی کارآمد اسلامی در تعامل انسان با محیط زیست (منشور اخلاقی محیط زیست) و عدم وجود شاخص‌های بومی زیست محیطی در کنار آن، فقدان مطالعات جامع محیط زیستی، نبود سیستم‌های آماری و اطلاعاتی روزآمد و جامع محیط زیستی، توزیع نامتعادل جمعیت و عدم تناسب سیستم‌های خدمات عمومی با افزایش جمعیت و نیز وجود فقر و عدم توزیع عادلانه ثروت ناشی از فقدان زمینه‌ها و بسترهای لازم، ناکارآمدی برخی قوانین و مقررات موجود، عدم اجرای کامل قوانین و همچنین تعارض بین برخی قوانین داخلی با یکدیگر و نیز با معاهدات بین‌المللی، فقدان مدیریت یکپارچه بر عرصه‌های طبیعی کشور از جمله چالش‌های مدیریتی محیط زیست قلمداد می‌شود.

۳- با توجه به در حال توسعه و رشد بودن کشور، باید با ظرافت خاصی به محیط زیست پرداخت به گونه‌ای که هم پیشرفت کشور میسر شود و هم محیط زیست تخریب نگردد. با این حال، وجود الگوی تولید و مصرف ناسازگار با محیط زیست، اولویت دادن به منافع اقتصادی کوتاه مدت در فرآیند تصمیم‌گیری توسعه در مقایسه با منافع پایدار، نبود زیرساخت‌های لازم برای بازیافت و عدم انگیزه بخش خصوصی (صنعت، کشاورزی و ...) به استفاده از فناوری‌های سبز، ضعف سیستم‌های پایش، نظارت، کنترل و ارزیابی مستمر بر کلیه فعالیت‌های صنعتی، زیربنایی خدماتی و ... بهره‌برداری از محیط زیست و منابع طبیعی از جمله چالش‌های محیط زیست و یا تعارض پیشرفت با محیط زیست در سرزمین ایران قلمداد می‌گردد.

۴- پایین بودن سطح فرهنگ عمومی و فقدان آگاهی‌های مؤثر اقشار مختلف از اهمیت و کارکردهای محیط زیست و خطرات ناشی از آلودگی، تغییر سبک زندگی، مصرف زدگی و اسراف و بی‌توجهی به عدالت اجتماعی از جمله چالش‌های فرهنگی محیط زیست قلمداد می‌شود. برای نمونه: با وجود این که به لحاظ سرانه آب در دنیا رتبه یکصد و دوازدهم را داریم اما در مصرف رتبه پنجم را به خود اختصاص داده ایم. در بحث خاک،

رسوب گذاری به لحاظ فرسایش بسیار بالای خاک افزایش یافته است. افزایش بی رویه مصرف کود و سم (۹۸ درصد تولیدات کشاورزی به کود و سم متکی است) در مورد هوا، میزان سوخت، استاندارد سوخت، پدیده گرد و غبارناشی از ازمین رفتن تالاب ها چه در داخل و چه در خارج از جمله چالش های فوری در حوزه آب و خاک و هوا است که آگاهی و آموزش مردم می تواند تا حد زیادی این چالش ها را کاهش دهد.

۵- چالش های وارداتی: در کنار عدم وجود فناوری مناسب و کمبود نیروهای متخصص و توزیع نامناسب آن جهت پیشگیری و محافظت از محیط زیست و نهایتاً، عدم همکاری برخی کشورهای منطقه جهت کاهش اثرات فراروی معضلات زیست محیطی مانند آسیب دیدن لایه ازن، گرم شدن کره زمین و ریزگردها و رسیدن به مدیریت هماهنگ زیست منطقه ای از جمله چالش های وارداتی قابل دسته بندی است.

بنابراین، سیاست های کلی محیط زیست می بایست ضمن پاسخ گویی در برابر چالش های برشمرده شده، در برگیرنده ویژگی ها و مولفه های تامین کننده سلامت محیط زیست باشد؛ به گونه ای که در بعد ایجابی ارتقای برخورداری از یک محیط زیست سالم و در بعد سلبی ساز و کار گسترده و پویا برای مواجهه با تخریب و آلودگی (بخش یا آمیختن آلاینده محیط زیست به آب، خاک، هوا و زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی و شیمیایی یا زیستی آن را تغییر ندهد و به انسان، آثار و ابنیه و سایر موجودات زیان نمی رساند) را کنترل و محدود نماید. فرایند تعیین ارزش اقتصادی محیط زیست در محاسبات ملی لحاظ گردد و مدیریت جامع منابع حیاتی و تامین عدالت زیست محیطی مستقر شود. ضمناً محیط زیست انسانی و کنترل انواع آلودگی های تهدید کننده آن طراحی و ساخته شود و با رویکرد توسعه پایدار، پیشگیری از تخریب محیط زیست و حفاظت از منابع زیستی و پایش مستمر آن، گسترش اقتصاد سبز با استفاده از ظرفیت ها و توانمندی ها افزایش یابد. همچنین لزوم تدوین منشور اخلاقی زیست محیطی مبتنی بر ارزش های اسلامی و تقویت و گسترش مشارکت فعالانه عمومی در امر محیط زیست و مشارکت فعال و هدفمند در همکاریهای زیست محیطی منطقه ای و جهان فراهم گردد.

علی احمدی
مدیر مسئول